

زوال هویت در روند تغییر و گسترش پراکنده روئی شهری^۱

نوع مقاله: پژوهشی

* فاطمه شعبانی

E-mail: f.shabani.f@gmail.com

** ژیلا سجادی

E-mail: j_sajadi@sbu.ac.ir

*** جمیله توکل‌نیا

E-mail: j_tavakolinia@sbu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۲

چکیده

شهر نهادی اجتماعی است و هویت آن نه تنها یک واقعیت مکانی بلکه یک واقعیت با ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... است که در فرآیند تغییر و تحول تاریخ، ضمن حفظ ویژگی‌های منحصربه‌فرد کالبدی و معماری، انباشت اجتماعی و سبک زندگی شهروندان خود شکل می‌گیرد. شهرها در روند تغییر و گسترش، خوانایی و هویت خود را از دست می‌دهند. این تحقیق کاربردی تأثیر تغییرات ساختار فضایی و گسترش پراکنده روئی شهر بر هویت آن را در شهر ساری بررسی نموده است. روش تحقیق اسنادی و میدانی است، پردازش و تحلیل ساختاری با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس صورت گرفته و فرضیه تأثیر گسترش و پراکنده روئی شهر بر عوامل کالبدی، عملکردی و ادراکی هویت با ضرایب رگرسیون $0/746-$ ، $0/798$ و $0/722-$ تأیید گردید. نتایج نشان می‌دهد گسترش و پراکنده روئی شهر منجر به زوال هویت شهری در ابعاد کالبدی و ادراکی گردیده و مهم‌ترین صدمات آن کاهش امنیت، محو تصویر ذهنی چشم‌اندازها و هسته سنتی تاریخی مرکز شهر و کاهش انسجام اجتماعی شهر بوده است. نتیجه این روند، ساری را از شهر اجتماعی پیاده مدار به یک شهر پراکنده خودرو پسند مبدل نموده است.

کلید واژه‌ها: هویت شهری، پراکنده روئی، عوامل کالبدی.

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «تحلیل ساختاری علل و پیامدهای محیط زیستی پراکنده روئی شهری» از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۹۹ می‌باشد.

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، نویسنده‌ی مسؤول

** هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

*** هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

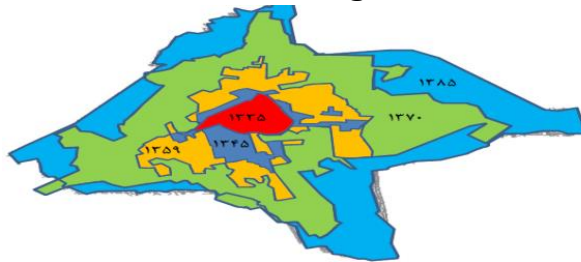
مفهوم هویت از نقطه نظر شهرها و مصنوعات معماری تعریف گسترده‌ای دارد که پدیده‌های طبیعی، محصولات جغرافیایی و فرهنگی و هنجارهای زندگی اجتماعی را دربرمی‌گیرد. هویت شهری، هویت معماری و تصاویر ذهنی غالباً توسط مؤلفه‌هایی بسیار متفاوت در یک دوره طولانی در فضای شهری شکل می‌گیرد. مشکل اخیر شهرها در فرآیند تغییر و تحولات ساختاری و گسترش شهری، رویارویی با چالش از دست دادن هویت در ابعاد شهر است.

شهرها به‌طور مداوم در حال تغییر، گسترش و احیا شدن خوانایی خود را از دست می‌دهند و شهروندان آنها این تصویر جدید را در حافظه و ادراک خود ثبت و با آن زندگی می‌کنند. (یالدیز و همکاران، ۲۰۰۴: ۲۲۱) از آنجایی که در این جوامع حس تعلق به مکان با ثبت تصویر ذهنی منظر و مکان و تعاملات اجتماعی ناشی از آن رشد می‌کند، به همراه تغییر یا حذف مکان و تصاویر ذهنی آن، احساس پیوند به جامعه و مالکیت شهر و تعلق به آن کاهش می‌یابد. در نتیجه حفظ میراث تاریخی - فرهنگی، اصالت‌های محلی و هویت شهری در آن دشوارتر است.

ساری یکی از شهرهای شمال ایران با هسته مرکزی شهرهای سنتی ایرانی است، که طی دهه‌های گذشته، ابعاد کمی و کیفی زندگی اجتماعی شهروندان تحت تأثیر تغییر و تحولات فراوان قرار گرفته است و از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۵ جمعیت آن از ۲۶ هزار نفر به ۳۳۰ هزار نفر، مساحت آن از ۱۱۰ هکتار به ۳۰۰۰ هکتار و تراکم نسبی آن از ۲۴۰ نفر در هر هکتار به ۱۱۰ نفر در هکتار رسیده است. این شهر، در ادوار مختلف، شاهد تجربه‌های متفاوتی مانند تمدن هخامنشیان و هیرکانیا، شهر اسلامی دوره عباسی، شهر پایدار و سنتی دوره صفویه، پایتخت تاج‌گذاری و باغ‌های دوره قاجار، نهایتاً شهر مهاجرپذیر و گسترده پس از انقلاب اسلامی بوده است که بخش محدودی از آثار معماری این دوره‌ها در هسته مرکزی آن باقی مانده است. این ویژگی‌های معماری و ساختار فضایی شهر، بخشی از حیات و هویت منحصربه‌فرد شهر هستند که در دوره‌های مختلف شکل یافته و در روند تغییر آرام و تدریجی خود برخی معانی و ارزش‌ها را کسب کرده و برخی را از دست داده است.

در این تحقیق مفهوم هویت در ۴ دهه‌ی اخیر در شهر ساری بررسی شده و نقش تغییر و گسترش پراکنده رویی شهری در شکل‌گیری هویت منحصربه‌فرد شهر مورد تأکید قرار گرفته است. با توجه به این ملاحظات پرسش اصلی تحقیق این است که تغییر و تحولات ناشی از پراکنده رویی چه تأثیری بر هویت شهر ساری داشته است؟

منطقه مورد مطالعه شهر ساری در طول شرقی ۵۳ درجه و عرض شمالی ۳۶ درجه، این شهر در جنوب دریای خزر و در منطقه جلگه‌ای شهرستان ساری قرار گرفته است. رودخانه تجن که از پرآب‌ترین رودخانه‌های استان است از ارتفاعات جنوبی شهرستان سرچشمه گرفته و از بخش شرقی شهر عبور می‌کند. توپوگرافی عمومی شهر ساری در طبقه ارتفاعی ۰-۱۰۰ متر استقرار یافته و شیب عمومی شهر از جنوب به شمال و بسیار ملایم است. (مشاورین مازند طرح، ۱۳۸۹: ۵) ساختار فضایی شهر ساری الگویی چند هسته‌ای به مرکزیت منطقه‌ی کهن مرکزی در محل همپوشی دو محور شمالی - جنوبی و شرقی - غربی قرار دارد. این ساختار در پهنه‌ای کشاورزی با همپوشانی متراکم کانون‌های زیست و فعالیت اندازه‌ای به مساحت ۳۰۰ هکتار در مرزهای مصوب قانونی و ۱۲۰۰ هکتار (ناشی از پدیده خزش فعالیت در پیرامون) به صورت چسبندگی کالبدی دارد. (مهندسین مشاور مازند طرح، ۱۳۸۹: ۹)



شکل شماره ۱: گسترش فضایی شهر ساری در دهه‌های مختلف (مأخذ: اسناد شهرداری ساری)

مبانی نظری

هویت یک شهر در یک بازه زمانی طولانی شکل می‌گیرد. این شهر با ویژگی‌های جغرافیایی مختلف سطح فرهنگی، شخصیت معماری، سنت، آداب و رسوم و سبک زندگی شکل گرفته است. به همین دلیل عناصر سازنده شهر هویت خود را از کل شهر و در ارتباط با سایر اجزاء به دست آورده است. لذا این یک واقعیت است که کلیت شهر و حیات اجتماعی آن از عناصر و اجزای جداگانه‌ای که شهر هویت خود را از آنها کسب کرده تشکیل شده است. (ایلگار، ۲۰۰۸: ۱) طبقه‌بندی این عناصر در شهر و در هر دوره ویژگی‌های متفاوتی برای شهر به ارمغان می‌آورد که موجودیت و ساختار فضایی و ارزش‌های وجودی آن دوره را مشخص می‌کند و ردپای هر دوره به دلیل تغییر فرهنگ جامعه در زمان و مکان تاریخ آن شهر را نقل می‌کند.

هویت یعنی تمایز یک شی از اشیاء دیگر و پذیرفتن آن به عنوان یک شیء متمایز.
(لینچ و همکاران، ۱۹۶۰: ۲۰۵)

مفهوم هویت از نقطه نظر شهرها و محصولات کالبدی، معماری شامل تعریف گسترده‌ای است که شامل پدیده‌های طبیعی، محصولات جغرافیایی و فرهنگی و هنجارهای زندگی اجتماعی است. هویت شهری، هویت معماری و تصاویر شهری، غالباً توسط مؤلفه‌ها و مفاهیم بسیار متفاوت جامعه مانند مفاهیم معماری، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، روانی، عاطفی و... در یک دوره طولانی در فضای شهر شکل می‌گیرد. (یالدیز و همکاران، ۲۰۰۴: ۲۲۱) برخی محققان این عوامل و مؤلفه‌های هویت شهر را در سه بعد کالبدی، عملکردی و ادراکی جای می‌دهند. (دانش پایه و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۷)

از آنجا که هویت یک شهر باید با معنای دقیق طبیعی، محیط، جغرافیا، روند فرهنگی، سنن، چارچوب اعتقادی، ساختار سیاسی، اقتصادی، حقوقی و در بستر دولتی تعریف شود. در نتیجه این مشاهده، تفسیر آن و ادراک این تفسیر به صورت هویت شهری در اذهان شکل می‌گیرد. (یالدیز و همکاران، ۲۰۰۴: ۲۲۱)

چول هویت شهری را در سال ۱۹۹۸ به عنوان «یک مفهوم واحد از تصویر شهر و برگرفته از فرآیند تاریخی، همراه با بار معنایی خصوصیات منحصر به فرد شهر با مقیاس و شرح مربوط به آن می‌باشد که می‌توان آن را معادل شهر پایدار و مصنوع عوامل کالبدی، فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی، تاریخی و رسمی توسط شهروندان و سبک زندگی آنها است» بیان کرد. (چول، ۱۹۹۸: ۱)

این تعریف نشان می‌دهد که هویت شهری نه تنها یک واقعیت مکانی بلکه دارای یک واقعیت با ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره است. (نوفل و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۷) به عبارت دیگر هویت شهر در همبستگی با ارزش‌های طبیعی و فرهنگی که مورد نیاز است با حفظ، ویژگی‌های منحصر به فرد معماری و مکانی، انباشت اجتماعی و سبک زندگی شکل می‌گیرد. مفهوم هویت شهر آن است که ابعاد مکانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، باید با رویکرد نفع جمعی اداره شود و به عنوان یک نتیجه جمعی حاصل از گذشته شهر با تعامل واجد شرایط برای پیوند با امروز خود باشد.

برخی از عوامل تعیین‌کننده هویت، عامل تمایز شهر از دیگران و تأثیرگذاری بر روند شکل‌گیری و توسعه یا تحول یا تغییر صرف شهر هستند. قضاوت در مورد ارزش و سبک زندگی هر جامعه بسته به محیط، خصوصیات مختلف جوامع دارند (ایلگار، ۲۰۰۸) عوامل تعیین‌کننده هویت عبارتند از: ساختار کالبدی شهر، ساختار صنعتی -

اقتصادی شهر، انباشت فرهنگی و ساختار اجتماعی، توسعه تاریخی شهر، ویژگی‌های مکانی شهر، ویژگی‌های رسمی و بصری شهر، سبک زندگی و کیفیت زندگی شهروندان، کارکردهای شهر، رابطه جسمی و رفتارهای اجتماعی شهر، وحدت طبیعت با شهر، زیرساخت شهری، توپولوژی شهری و... فضای شهر به‌عنوان بستر ارتقاء هویت محلی است و به همین دلیل سازنده واقعیت‌هایی با بالاترین پتانسیل شکل‌گیری هویت بوده و شامل فضای عینی برای مشاهده و فضای مفهومی برای ادراک عقلی می‌باشد. فضای عینی یا کالبد شهر روزانه توسط شهروندان بازدید می‌شود و فضای مفهومی در تجربه زندگی شهروندان در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، محیط زیست به‌صورت ادراکی و عملکردی درک می‌گردد. بنابراین هویت شهر در بستر فضای شهر رشد یافته و مانند آن رابطه بازتولید با جامعه شهری دارد یعنی هویت به وسیله الگوهای کنش متقابل اجتماعی تولید می‌شود و متقابلاً به جامعه شکل می‌دهد. بنابراین بسیاری از شاخص‌های کالبدی شهر مانند ساختار فضایی، وسعت شهر، گروه‌های ساختمانی و بافت شهری و هم‌چنین بسیاری از شاخص‌های اجتماعی فرهنگی شهر مانند ایدئولوژی، اعتقادات، هنجارها، باورها، مشارکت، امنیت، انسجام در فرایند تاریخی و بستر دولت محلی به جامعه شهری و هویت آن شکل داده و از آن شکل می‌گیرد. برخی دیگر از عوامل تعیین‌کننده هویت عبارت است از: ساختار صنعتی - اقتصادی شهر، انباشت فرهنگی و ساختار اجتماعی، توسعه تاریخی شهر، ویژگی‌های مکانی شهر، ویژگی‌های رسمی و بصری شهر، سبک زندگی و کیفیت زندگی شهروندان، کارکردهای شهر، رابطه جسمی و رفتارهای اجتماعی شهر، وحدت طبیعت با شهر، زیرساخت شهری، توپولوژی شهری. بنابراین قضاوت در مورد ارزش و سبک زندگی هر جامعه بسته به محیط، خصوصیات مختلف جوامع دارند و به دلیل همین تنوع و ترکیب شاخص‌ها، هر شهر هویت متمایز و منحصر به فرد خود را دارد.

اگرچه هویت محیط ساخته شده یا کالبد شهر، بخش مهمی از هویت شهر را تشکیل می‌دهد، اما سرنخ‌هایی از زندگی اجتماعی و فرهنگی در آن شهر نیز هست. غنای ارزش‌های تشکیل‌دهنده کالبد و معماری و هویت محیط مصنوع، بیانگر غنای زندگی اجتماعی و فرهنگی در آن شهر است؛ زیرا، هویت جمعی، ساخته اجتماعی است که در این فضا، زندگی اجتماعی خود را ساخته‌اند (نیل، ۱۹۹۷: ۱۸۱). علاوه بر این، هویت محیط ساخته شده و هویت اجتماعی و فرهنگی جامعه، متقابلاً بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. به همین دلیل، ارزش‌های تشکیل‌دهنده هویت محیط فیزیکی که کل

زندگی در شهر را سازمان می‌دهد بسیار مهم هستند. وقتی هویت از این دیدگاه تعریف می‌شود، سهم کالبد و معماری در شکل‌گیری هویت اهمیت بسیار زیادی دارد. آثار کالبدی و معماری منعکس‌کننده سبک‌های مختلف زندگی در دوره‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی شهر از جمله وضعیت معیشت، دانش، سلیقه و مهارت شهروندان خود است. عملکرد آنها برای شکل‌گیری هویت شهر عبارت‌اند از:

- خوانایی جوامع از حیث سبک زندگی را فراهم می‌کند.
- اسناد مدون در زندگی شهر، منطقه یا کشور هستند.
- به‌عنوان اسناد تاریخ محلی، تغییراتی را در سطح شهر ارائه می‌دهند که باید خواننده شود.
- در مورد دوره‌های مختلف به‌غیر از مواد و فنون ساخت‌وساز خود، عادات عامیانه را بازگو می‌کنند.

تأثیر کالبد و آثار معماری بر شکل‌گیری هویت شهر انجمن فضایی شهروندان گذشته و حال شهر است که زمینه همکاری مشترک را با آنها فراهم می‌کند. (یالدیز و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۲۱)

هویت شهری مفهومی است که در نتیجه یک فرآیند تاریخی ایجاد شده و توسط کل اجتماع شکل گرفته و با کل دوره‌های مختلف زندگی اجتماعی هماهنگ شده است. مؤلفه‌هایی مانند موقعیت جغرافیایی، ساختار کالبدی، ساختار فرهنگی - اجتماعی، حقایق مذهبی، آب‌وهوا، توپوگرافی، ساختار تجارت، محیط، تاریخ، فرهنگ، جاده‌ها، خیابان‌ها و آثار معماری در شکل‌گیری یک شهر بی‌نظیر، نقش دارند.

اگرچه تغییر، یک فرآیند ضروری و متداول در اجتماعات شهری است اما لازم است تا ضمن گذار، اصالت و جوهره اصلی با توجه به ابعاد، شرایط، نتایج برخی ارزش‌ها و نمادهای معماری به‌طور مستمر مورد حفاظت قرار گیرد. (بیهان و همکاران، ۲۰۰۵: ۷۹) هویت شهرهای امروز بیش از هر عامل دیگری تحت تأثیر انقلاب صنعتی از اواخر سال ۱۷۰۰ میلادی تغییر و تحول پیدا کرد و اساساً ساختار شهری و به‌تبع آن هویت شهر با یک سری از نوآوری‌های صنعتی متحول شد. رشد شهرنشینی و نیز توسعه فناوری مثل کارخانه‌ها، کارگاه‌های تولیدی، تولید ماشین‌ها و ارزشمندتر از همه اینها، شکل‌های جدید حمل‌ونقل و ارتباطات خدمات فراوانی برای ما فراهم کرد اما همین فناوری‌ها زمینه گسترش مساحت، رشد بی‌قواره یا پراکنده رویی شهری نیز شد. درحالی‌که شهرهای سنتی پایدار ایرانی دوره صفویه در محیطی متراکم و فشرده در

محدوده ۵ کیلومتر با فرم فضایی مدور و هسته مرکزی مسجد و بازار و ارگ طراحی شده بود تا مقاصد نیازهای روزانه شهروندان در محدوده پیاده روی قرار گیرد و تعاملات اجتماعی برای بازتولید فرهنگ در جامعه شهری پیاده مدار، به حداکثر برسد، تحولات شهرها بعد از انقلاب صنعتی براساس توسعه فناوری خودرو، شهر پراکنده را شکل داد و به همراه توسعه حمل و نقل عمومی با اتوبوس، امکان توسعه در هر جهتی ممکن شد، اول ساخت و ساز در محدوده خطوط اتوبوس آغاز شد و سپس خودرو شخصی تردد روزانه به پنجاه کیلومتر دورتر را رواج داد. دسترسی به خودرو امکان ساخت مسکن کم تراکم را ایجاد کرد و دیگر مردم مجبور نبودند در نزدیکی محل کارشان یا ایستگاه‌های حمل و نقل زندگی کنند. توابع شهر می‌توانست براساس الگوهای منطقه‌بندی منحصربه‌فرد از هم جدا شوند و این آغاز تکه‌تکه شدن فضای اجتماعی شهر و تفکیک طبقاتی و از دست رفتن هویت مشترک گردید. این نوع تغییر و توسعه بیش از پنجاه سال است که بر محیط شهری حاکم گشته است. (نیومن، ۱۹۹۲: ۲۸۵)

مهم‌ترین چالش شهر پراکنده دوگانگی اثرات اجتماعی و فردی آن است، درحالی‌که تغییر و تحولات ناشی از این رشد ناکارآمد برای جامعه عواقب منفی و خسارات فراوان دارد، جنبه‌های مثبت زیادی در سطح فردی وجود دارد که به‌طور آشکار به گسترش وسیع آن کمک کرده است. (بورچل و موکرجی، ۲۰۰۳: ۱۵۳۴) شهر پراکنده با ترویج الگوی نظام سرمایه‌داری و فرهنگ و سنت‌های امریکای شمالی و استرالیا در شهر، مزیت‌های زیادی در سطح فردی برای زندگی در شهر پراکنده مانند: خانه بزرگ، منطقه وسیع، محله منحصربه‌فرد و اتومبیل‌های چندگانه که نشانه‌های موفقیت فردی هستند، فراهم می‌کند و از بسیاری جهات زندگی در شهرها و مناطق پراکنده و حومه‌نشینی جشن آزادی و ثروت فردی است. (اربری، ۲۰۰۲: ۱) درحالی‌که این سبک زندگی در سطح جامعه با تغییر ارزش‌ها هنجارهای اجتماعی شهر و نیز هزینه‌های اقتصادی فراوانی که برای تکمیل زیرساخت‌های مناطق جدید بر شهر تحمیل می‌کند، علاوه بر ابعاد اقتصادی، با محو چشم‌اندازهای کشاورزی حومه، ابعاد کالبدی هویت اجتماعی را نیز تهدید می‌کند. از آنجایی که رشد «برونزا» برای توسعه‌دهندگان سودمندتر از تحولات و توسعه درون‌زای شهر است، ساخت‌وساز در زمین‌های زراعی بدین معناست که توسعه‌دهندگان از حذف مواردی که قبلاً در یک مکان وجود داشت یا به‌روزرسانی زیرساخت‌های اطراف متحمل هزینه‌های زیادی نمی‌شود، زیرا معمولاً این‌گونه هزینه‌های زیرساخت توسط دولت یا مالیات عموم مردم پرداخت می‌شود. تسلط این

سبک زندگی بر اذهان عمومی بدین معنا است که دولت‌های برگزیده انگیزه چندانی برای اصلاح تصمیمات سیاسی متناقض با اذهان عمومی برای کمک به ایجاد محیطی با پراکندگی بالا نداشتند، چون که مایل نیستند تا مشاغل سیاسی خود را در معرض خطر تغییراتی قرار دهند که با اجرای این تصمیمات بعید است به محبوبیت برسند. (کاراترز و یولفارسون، ۲۰۰۲: ۳۱۲) بنابراین باگذشت زمان ارزش‌ها و هنجارهای جامعه وارونه شده و صدمات جبران‌ناپذیری بر ابعاد فرهنگی و ادراکی هویت اجتماعی شهر وارد می‌شود. دونی و همکارانش معتقدند که بالاتر از همه چیز «پراکنده رویی حومه شهری نتیجه مستقیم سیاست‌هایی است که با قدرت برای تشویق پراکندگی شهری صورت گرفته است.» خواسته یا ناخواسته، سیاست‌های مانند این، افراد را نسبت به نوسازی خانه‌های خود دل‌سرد کرده و تأکید زیادی بر ساختار خانواده‌های منفرد، خانه‌های جدا از هم و پیدایش توسعه کم تراکم داشت (دونی و همکاران، ۲۰۰۰) با مهاجرت خانواده به پیرامون شهر یا مکان‌های جدید حس تعلق به مکان افول یافته (دانش پایه و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۷) و ابعاد فرهنگی یا عوامل ادراکی هویت کمرنگ می‌شود. با سرعت روبه رشد مالکیت خودرو و خانه به سمت تثبیت تراکم کم، سرمایه‌گذاری دولت برای برنامه‌های بزرگراهی بین شهری و به صورت یک توسعه خودروگرا بود که با یارانه‌های دولتی برای بهبود جاده‌ها و غفلت از حمل و نقل عمومی همراه شد و به رفت و آمد خودرو برای شهروندان متوسط و صرفه اقتصادی و راحتی آن کمک کرد. درحالی‌که پراکنده رویی شهری برای صاحبان خانه و توسعه‌دهندگان در سطح فردی جذاب است، درعین حال جامعه هزینه‌های شدید اقتصادی، محیطی و اجتماعی را متحمل می‌شود. با این حال چون که این هزینه‌ها اغلب توسط کل جامعه یا افراد و به‌دوراز تحولات آنی در حاشیه شهری صرف شده‌اند (اربری، ۲۰۰۲: ۱) این هزینه‌ها معمولاً در دید نیستند و مخفی باقی می‌مانند و اثرات مخربی بر هر سه بعد عملکردی، کالبدی و ادراکی هویت دارد. علاوه بر این سیاست‌ها، فعالیت‌های نظارتی که مشوق تمرکززدایی مناطق شهری و منجر به ظهور منطقه‌بندی در خلال ۸۰ سال گذشته شد، با ایجاد تحولات و توسعه‌های مربوط به یک حوزه و قسمت (مثلاً فقط مسکونی) موجب جدایی فضای خانه از تقریباً تمامی فعالیت‌های دیگر که مردم ملزم بودند به صورت روزانه انجام دهند گردید و این موضوع دسترسی و آسایش شهروندان را کاهش داده و اثرات منفی بر عوامل عملکردی هویت شهر داشته است. (رالف، ۱۹۸۷) مطالعات ساورس نشان می‌دهد که «بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۹ مسافت‌های طی شده خودرو بیش از ۷۶ درصد افزایش

داشته است.» نسبتی که به مراتب بیش از افزایش جمعیت، شغل و درآمد کسب شده است. (ساورس، ۲۰۰۱: ۱۲۷۱) این سه عامل منشأ ویژه پراکنده روئی شهری است که با اصلاح مسافت و فراوانی سفر به صورت افراطی نوع، ترکیب، تراکم و آرایش‌های فضایی شهر را تغییر داده است. همان‌طور که ساورس به روشنی می‌گوید «نتیجه کلی این فرایند از لحاظ جغرافیایی ایجاد مسافت بیشتر، در نتیجه: کاربری منفرد، تفکیک شده و اغلب گسترش شدید زمین است. در ادامه فرآیند، برای ارتباط قطعات زمین‌های توسعه‌یافته، بنا به ضرورت یا با انگیزه ساخت و ساز بزرگراه‌های مداخله‌گر، خودرو به مقرون‌به‌صرفه‌ترین وسیله برای مسافت بین مکان‌ها در منطقه‌ی شهری تبدیل شده است.» (مرس و هایر، ۲۰۰۱: ۴۲۹)

از طرف دیگر پراکنده روئی موجب ناکارآمدی خدمات شهری و زوال عوامل کالبدی، عملکردی و ادراکی هویت شهری می‌شود، به‌طور واضح پراکنده روئی شهری به لحاظ اقتصادی برای بسیاری از کسب‌وکارها موجب ناپایداری می‌گردد؛ به‌ویژه کسب و کارهایی که در مناطق مرکزی واقع شده‌اند و از «پراکندگی سرمایه‌گذاری» در حاشیه‌های شهر رنج می‌برند. از آنجایی که مشتریان آنها از داخل شهر دور می‌شوند، کسب‌وکار هم به دنبال آنان می‌رود - از آنجایی که واقعاً سرمایه‌گذاری در مناطق قدیمی و فرسوده ریسک است، در زمانی که حاشیه جذاب شهر برای توسعه باز است بیشتر سرمایه‌گذاران کسب‌وکار مرکز شهر را قبول نمی‌کنند. از نظر اقتصادی، ایجاد جاده‌های جدید، مدرسه، فاضلاب و خطوط آب در حالی که وضع مناطق قدیمی و فرسوده درون‌شهری روبه‌وخامت است موردی بسیار ناکارآمد، بی‌فایده و ناپایدار است. برای بسیاری از دولت‌ها گرفتاری‌های درون‌شهری گویاترین تأثیر پراکنده روئی شهری است. (اربری، ۲۰۰۲: ۱)

یکی از صدمات اصلی گسترش و پراکنده روئی به هویت اجتماعی شهر، تفکیک اجتماعی و اقتصادی با خوشه‌های خانه‌سازی با توجه به نوع مسکن و با استفاده از انحصاری شدن خوشه‌های گران‌تر است که سازندگان از این تفکیک انگیزه‌ای برای سوداگری و افزایش ارزش بخش‌های فرعی خود ایجاد کرده‌اند. حفظ ارزش یک منطقه موضوع اصلی ساکنان محلی است، که به شدت مخالف اجرای هر طرحی برای ارائه مسکن‌های ارزان‌قیمت به خاطر عوارض جانبی آن هستند، چون که ممکن است تأثیرات منفی بر ارزش ملک آنها داشته باشد. (دونی و همکاران، ۲۰۰۰) که هم عدالت اجتماعی را با تعامل بین مردم با سطوح درآمدی متفاوت در محیطی غیررسمی و برابر تحریک می‌کند و هم چنین این امکان را برای مردم فراهم می‌کند تا در طول زندگی خودشان در

بازار مسکن بالا و پایین بروند. علاوه بر این توزیع مسکن‌های مقرون به صرفه با سبک مردم‌پسند در میان خانه‌های گران‌قیمت، از مشکلات اجتماعی مرتبط با مناطق وسیع دارای مسکن‌های ارزان‌قیمت در بسیاری از شهرها جلوگیری می‌کند.

در شدیدترین شکل پراکنده روئی شهری، یعنی «جوامع بسته»، محرومیت اجتماعی کامل از عناصر نامطلوب با از دست دادن فضای عمومی مثل خیابان‌ها وجود دارد. از بسیاری جهات، جوامع بسته نقطه اوج صدمات اجتماعی و فرایند زوال هویت است که پراکنده روئی ایجاد کرده است، همان‌طور که لویی گوکس آنها را به‌عنوان ... «حالت فیزیکی و آشکار از تغییرات اجتماعی پسا صنعتی (تکه‌تکه شدن، فردگرایی، از دست دادن جوامع)، بخشی از کالایی شدن فضای عمومی شهری و نیز به‌عنوان نفوذ ایدئولوژی‌های ترس و امنیت با حمایت عوامل اقتصادی و سیاسی» توصیف می‌کند. (لی گوکس، ۲۰۰۵: ۳۲۳) انحصار اجتماعات بسته، الگوی جدایی‌گرایی خود پایداری را به وجود می‌آورد، در مورد کودکانی که در این اجتماعات رشد می‌کنند باید گفت که نسبت به کودکانی که در بیرون از حصار رشد می‌کنند حس همدلی خیلی کمتری دارند و درک آنها از دیگران با سوءظن و تحقیر همراه است. با وجود محیطی همگن‌تر و امن‌تر، این کودکان درک کمتری از تمام رویدادها دارند که این ادراک نسبت به رویدادهای این جهان در خارج از دیوار و حصار منطقه خود که ارتباط کمتری با آن دارند کاملاً متفاوت است. این موضوع به دو شیوه کار می‌کند: افراد فقیر درک کمتری از طبقه متوسط دارند و آنها را مانند خودشان در نظر نمی‌گیرند، افراد غنی هم عموماً سختی‌های آنها را احساس نمی‌کنند و روحیه کمک و همدلی وجود ندارد. (اربری، ۲۰۰۲: ۱)

افزایش تعداد مادران شاغل سبک زندگی حومه‌نشینی در شهر پراکنده را تضعیف می‌کند، چون که نمی‌توانند فرزندان خود را در سفرهای مورد نیاز همراهی کنند، و یا در زمانی که فرزندان از مدرسه تعطیل شدند در خانه نیستند. این تحولات سبک زندگی جامعه پس از جنگ جهانی دوم مفاهیمی مانند «کودکانی با کلید در خانه» و «جوامع خوابگاهی» را ایجاد کرده است که عدم تطابق بین فرهنگ و چشم‌انداز شهری مان را برجسته می‌کند. با توجه به بحث ترافیک گسترده و مسکن خوابگاهی غیراستاندارد در حومه دو شاخصه اصلی هستند که نشان می‌دهند چگونه پراکنده رویی شهری دیگر با هویت جامعه امروزی سازگار نیست.

«... در حال حاضر شهر و حومه در تکامل تدریجی نفی متقابل نسبت به از دست دادن هویت جامعه، مقیاس انسانی و طبیعت قفل شده‌اند. در عمل چنین الگوهای رشدی از

یک طرف باعث ایجاد ازدحام، آلودگی و انزوا و از سوی دیگر سبب عدم سرمایه‌گذاری شهری و مشکلات اقتصادی می‌شود» (کالتروپ، ۱۹۹۳: ۹) با این حال، آنچه باعث می‌شود تا استدلال برخی محققان متمایز باشد این است که آنها معتقدند پراکنده روئی شهری «به سبک زندگی قبل از دوره پسامدرن تعلق داشت» و شیوه زندگی در حومه شهر به خاطر تغییر ساختار خانوار، نوع خانواده‌ها، محیط‌زیست محل کار و افزایش نگرانی‌های زیست‌محیطی هرروز در حال ناسازگاری بیشتر با فرهنگ و زوال هویت شهر امروزی است.

مواد و روش‌ها

این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و دارای روش توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات پژوهش به صورت اسنادی و میدانی جمع‌آوری شده است. در بخش اول تحقیق از طریق آنالیز، داده‌های کمی مساحت و تغییرات کاربری پدیده پراکنده روئی به وسیله سیستم اطلاعات جغرافیایی اثبات شد. در بخش دوم تحقیق که هویت شهر مورد بحث این پژوهش است از داده‌های کیفی استفاده شد. منبع داده‌های کیفی اطلاعات میدانی و ابزار جمع‌آوری آن پرسشنامه‌هایی بوده که به روش دلفی از طریق مصاحبه با کارشناسان و پیشنهاد و استخراج شاخصه‌ای مرتبط تنظیم شده است. نهایتاً با پردازش داده کیفی از طریق نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس، تحلیل اثرات گسترش و پراکنده روئی بر هویت شهر با روش استنباط استقرایی صورت گرفته است.

از آنجایی که لازم است پرسشنامه مربوطه توسط کارشناسان خبره که با پدیده‌های اجتماعی شهر آشنایی کافی دارند تکمیل شود، جامعه آماری با روش نمونه‌گیری غیراحتمالی گلوله برفی، از طریق انتخاب گروهی از کارشناسان خبره دستگاه‌های مرتبط با موضوع پژوهش مانند شهرداری، مسکن و شهرسازی، محیط زیست معرفی گروه‌های دیگر کارشناسان از طریق گروه اول و به همین ترتیب بقیه انتخاب شد. بنابراین جامعه آماری ۱۰۸ نفر از کارشناسان شهرداری، سازمان راه و شهرسازی، کارشناسان مشاور طرح جامع شهری، اساتید دانشگاه شهروند ساری بوده‌اند. ۷۸٪ این افراد مرد و ۲۲٪ زن بوده‌اند. سن جامعه برای ۲۸٪ افراد سن ۳۰-۴۰ سال، ۲۲٪ افراد سن ۴۰-۵۰ سال، ۲۸٪ افراد سن ۵۰-۶۰ سال، ۲۲٪ افراد سن ۶۰-۷۰ سال دارند. تحصیلات این افراد ۱۱٪ دیپلم، ۳۸٪ کارشناسی، ۲۷٪ ارشد، ۲۲٪ دکترا بوده است. شغل این افراد ۴۵٪ کارشناس اداری مرتبط، ۵۰٪ درصد اساتید، ۵ درصد شهروند بوده‌اند. سابقه شغلی این افراد ۲۲٪ سابقه ۵-۱۰ سال، ۲۲٪ سابقه ۱۰-۲۰ سال، ۴۴٪ سابقه ۲۰-۳۰ سال، ۱۲٪ سابقه ۳۰-۴۰ سال داشته‌اند.

فرضیه اصلی تحقیق عبارت است: تغییر و تحولات پراکنده رویی شهری بر هویت اجتماعی تأثیر داشته است.

تصاویر حاصل از فناوری سنجش از دور و اعداد به دست آمده از محاسبه میزان آنتروپی برای توزیع تراکم شهر ساری در طی چهار دهه اخیر ۱/۱۳۹۵، ۲۴۴۰۹- است. روندی افقی و نامنظم که بنابر تفسیر مدل آنتروپی شانون، درجه توزیع تراکم جمعیت در سطح شهر به سمت عدم تعادل و نابرابری پیش رفته، شهر مورد نظر به نوعی دچار گستردگی و پراکنش بیش از حد در جهات مختلف شده است؛ بنابراین با فرض پراکنده روئی شهر ساری به تجزیه و تحلیل هویت اجتماعی در طی این فرایند می پردازیم.

مطالعه‌ی پیشینه تحقیق و تجزیه و تحلیل وضعیت شهر و مصاحبه با کارشناسان برای استخراج شاخص‌ها، سه شاخص اصلی هویت اجتماعی را عوامل ۱- کالبدی ۲- عملکردی ۳- ادراکی مشخص کرده است؛ بنابراین با تحلیل متغیرها و شاخص‌ها و گویه‌ها براساس فرضیه، پرسشنامه طراحی شد. روایی پرسشنامه براساس آزمون آلفا کرون باخ برای ۲۰ پرسشنامه اول مقدار ۰/۷۷۹ مناسب و سطح بالایی تأیید شده است. بنابراین کل پرسشنامه‌ها در میان کارشناسان خبره توزیع و تکمیل و نتایج در نرم‌افزارهای آماری اسمارت پی.ال.اس تحلیل شد.

متغیرهای پراکنده روئی و هویت شهری مطابق جدول به شاخص‌ها و گویه‌های زیر تجزیه و مورد پرسش قرار گرفتند:

| عوامل هویت شهر | متغیرهای پنهان | پراکنده روئی و گسترش شهری |
|---------------------------------------|----------------|---|
| مقیاس و مساحت شهر | زیست‌محیطی | رشد ۱/۶ برابر جمعیت و مساحت شهر |
| تراکم ساختمان و جمعیت | | افزایش درآمد و افزایش ۶ برابر خودروهای شخصی |
| پیوستگی و فشردگی بافت شهری | | مهاجرت از روستاها و شهرهای اطراف |
| طراحی شهری و معماری بومی و تناسب بصری | | مهاجرت از مرکز شهر به پیرامون |
| موقعیت و هم‌جواری عوارض طبیعی | | تغییر کاربری اراضی |
| کیفیت محیط طبیعی آب، هوا، زمین | | پایین بودن قیمت زمین و هزینه زندگی در پیرامون شهر |
| شرایح ارتباطی و حمل و نقل و ترافیک | سازمانی | خروج سرمایه‌های مازاد شهر |
| تنوع و ترکیب و سازگاری کاربری‌ها | | فواصل زیاد بین محل کار و زندگی |
| زیرساخت‌ها و خدمات شهری | | سوداگری زمین و ولع مالکیت خصوصی |
| بازار مرکزی و همگن | | توسعه برون‌زا و شهرک‌نشینی |
| صنعت و شبکه‌های اقتصادی پویا | | ساخت و ساز منفصل، الگوی ناپیوسته توسعه |

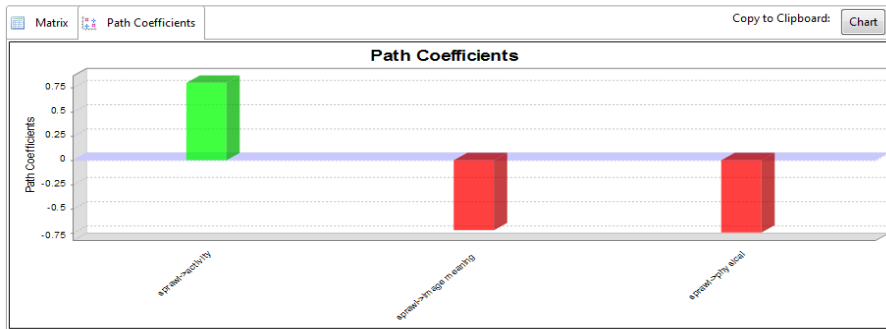
| | |
|--------------------------|--|
| تفکیک طبقاتی و قومیت | مالیات و درآمد پایدار دولتی مصرف انرژی و سوخت دو برابری دسترسی و آسایش ساختار تک مرکزی شهر سنتی ایرانی خلاقیت و فناوری منظر مبلمان و المان‌های شهری مراکز عمومی و مناسبات و تعاملات اجتماعی تجربه حسی و تعلق به مکان مشارکت امنیت |
| ضوابط ساخت و ساز در حومه | |
| | |
| | |
| | |
| | |
| | |
| | |
| | |
| | |

جدول شماره ۱ و ۲: شاخص‌های گویای پراکنده روئی و هویت شهر (مأخذ: یافته‌های نگارنده‌گان)

تحلیل ساختاری در نرم افزار اسمارت پی.ال.اس، فرضیه تأثیر تغییرات حاصل از پراکنده روئی بر هویت شهری را تأیید کرده است؛ بنابراین از آنجا که سطح معنی‌داری برای عوامل کالبدی، عملکردی و ادراکی کمتر از ۰/۰۵ است نتایج پذیرفته می‌شود. فرضیه تأثیر تغییر و پراکنده روئی شهر بر متغیرهای کالبدی، عملکردی، ادراکی هویت شهری با ضرایب رگرسیون ۰/۷۴۶-، ۰/۷۹۸ و ۰/۷۲۲- پذیرفته می‌شود. میزان تأثیر هر یک از عوامل در ستون بارهای عاملی نمودار (۲) به دست آمده است (اگر بارهای عاملی $< ۰/۴$ باشد عامل تأثیر داشته است).

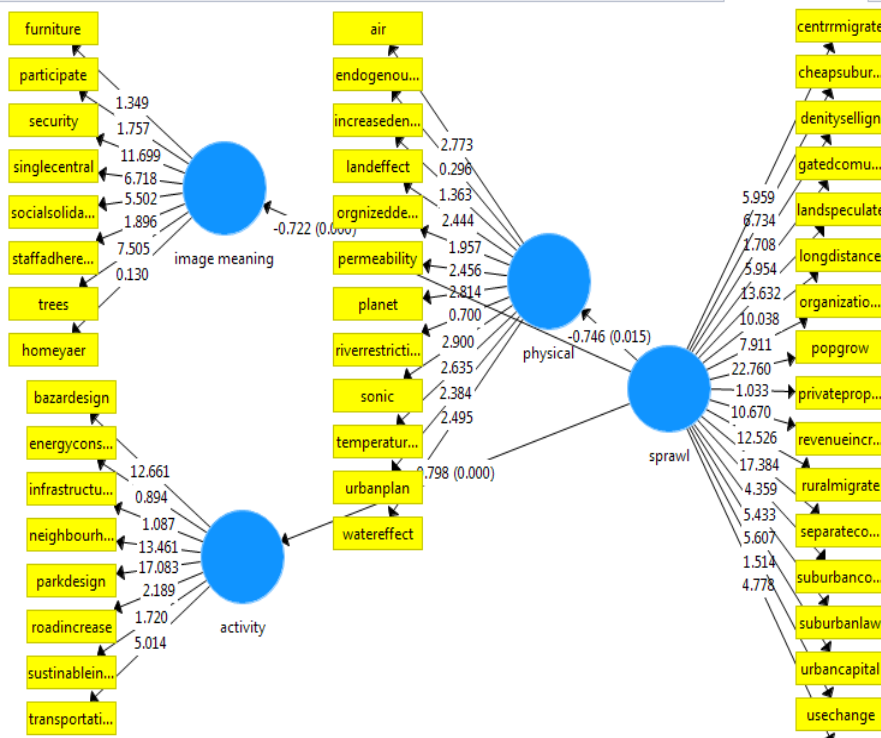
ضرایب رگرسیونی یعنی ارزش پیکان‌هایی که تأثیر عوامل پراکنده روئی شهری را بر متغیرهای پنهان هویت اجتماعی مشخص می‌کنند. سه عدد ۰/۷۴۶-، ۰/۷۹۸ و ۰/۷۲۲- و در بازه نرمال ۱ تا ۱- قرار دارد. $۱ < \text{مقدار ضرایب رگرسیون} < ۱-$ است. هرچقدر به عدد ۱ نزدیک‌تر باشد تأثیر بیشتر می‌شود هرچقدر به صفر نزدیک‌تر تأثیر ندارد و ۱- تأثیر قوی و معکوس دارد. بنابراین همان‌طور که نمودار (۱) نشان می‌دهد تغییرات و گسترش پراکنده شهر بر متغیرهای کالبدی و ادراکی تأثیر قوی منفی و بر متغیر عملکردی تأثیر مستقیم دارد. به طوری که افزایش پراکنده روی باعث کاهش میزان متغیرهای کالبدی و ادراکی (کاهش تراکم ساختمانی، کاهش کیفیت محیط‌زیست، محو تصویر ذهنی معماری بومی و چشم‌اندازها، کاهش انسجام اجتماعی و مشارکت و امنیت، آسایش و دسترسی و کاهش تعاملات اجتماعی و حس تعلق به مکان ...) و افزایش متغیر عملکردی (افزایش زیرساخت‌های ارتباطی، تقاضای فراوان خودرو و ...) شده است.

Path Coefficients



شکل شماره ۲: تأثیر منفی پراکنده روئی شهر بر عوامل کالبدی و ادراکی هویت و تأثیر مستقیم آن بر عوامل عملکردی (مآخذ: نگارندگان)

ساختار تأثیر عوامل پراکنده روئی شهر بر هویت اجتماعی مطابق شکل نموداری زیر تحلیل گردیده است:



شکل شماره ۳: تحلیل ساختاری تأثیر پراکنده روئی شهر بر هویت شهر در نرم افزار اسمارت پی. ال. اس (مآخذ: یافته‌های نگارندگان)

طبق نتایج جدول ۱، ۲ و شکل ۴، مطابق گویه‌ها و شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش، هر کدام از عوامل نقش به‌سزایی در گسترش شهر ساری داشته‌اند که این امر باعث رشد ۱/۶ برابری جمعیت و افزایش مساحت شهر که خود زمینه تشدید فشار بر منابع محیط زیستی، تخریب گونه‌های جنگلی، بهره‌برداری‌های بی‌رویه منابع آب و خاک، تشدید آلودگی‌ها را سبب شده است و چنانچه این روند سوداگری زمین، توسعه برون‌زا، شهرک‌سازی، مهاجرت بی‌رویه روستایی و بالعکس مهاجرت از مرکز شهر به پیرامون در جست‌وجوی دستیابی به زمین بیشتر و حومه‌نشینی، نبود نظارت‌های قوی دستگاه‌های مرتبط با ساخت و سازها و تغییر کاربری اراضی جنگلی - کشاورزی به مسکونی - تجاری ادامه داشته باشد، قطعاً باعث تشدید پراکنده روئی و تغییر هویت ذاتی شهر می‌شوند، زیرا هویت شهر، در بلندمدت و در غالب عناصر طبیعی، فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته و در نتیجه رشد کالبدی، تحولات ساختاری و پراکنده روئی شهری در معرض تغییر بوده و حفظ مفاهیم هویتی مشکل‌تر می‌شود.

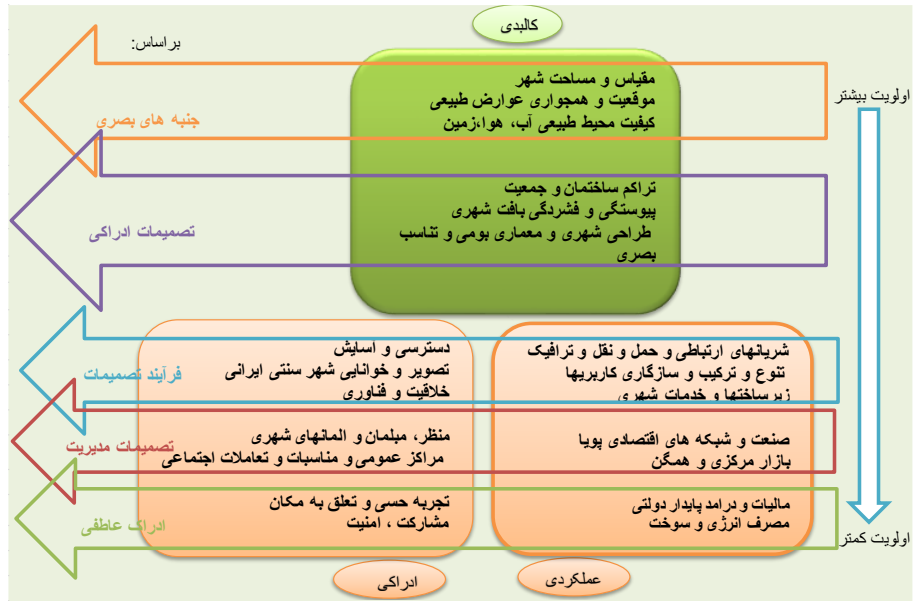
نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این تحقیق به‌وضوح نشان می‌دهد تغییر و تحولات حاصل از گسترش پراکنده شهر ضمن محو چشم‌اندازهای طبیعی، معماری و تحولات اجتماعی مرتبط منجر به زوال هویت شهری در ابعاد کالبدی و ادراکی شده است و به خاطر افزایش شریان‌های ارتباطی و بزرگرایی و نیز تکمیل زیرساخت‌های شهری، تأثیر مثبت و مستقیم بر بعد عملکردی هویت شهر داشته است. جدول بارهای عاملی ضمن تأیید این موضوع، مهم‌ترین صدمات پراکنده روئی را در بعد ادراکی کاهش امنیت، محو تصویر ذهنی چشم‌اندازها و هسته سنتی مرکز شهر و کاهش انسجام اجتماعی در شهر نشان می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر گسترش پراکنده شهر موجب شده مناطق طبیعی و تاریخی شهر در ادراک شهروندان کمرنگ شده و برخی مناطق شهر خوانایی خود را از دست بدهند. مطالعات نشان می‌دهد تحولات کالبدی، ادراکی و عملکردی ناشی از گسترش فضای شهری، ساری را طی ۶ دهه گذشته از یک شهر مدور سنتی با محور پیاده‌روی ۵ کیلومتری برای به حداکثر رسیدن تعاملات اجتماعی، به یک شهر پراکنده ستاره‌ای شکل خودرو پسند در امتداد محور بزرگراه‌ها شکل داده‌اند و در این گذار ۶۰ ساله ابتدا حلقه‌های مدور کمربندی شهر در فواصل و شعاع‌های مختلف از مرکز شهر به‌صورت پیاپی در دهه‌های مختلف نوسازی شد و شعاع شهر بزرگ و بزرگتر شد. نهایتاً ساخت

و ساز شهری حلقه‌های بزرگراهی کمربندی را پشت سر گذاشت و مزارع و چشم‌اندازها را مصرف نمود. با وجود این که جمعیت در این مدت ۱/۶ برابر شده، تعداد خودرو ۶ برابر و مصرف سوخت ۲ برابر شده است و گسترش پراکنده شهر تحت تأثیر این جریان‌های جمعیت، ظرفیت مرکز شهر را اشباع کرده و تصویر هسته پویا و پرتعامل شهر و نیز بسیاری از مناطق دیگر جای خود را به ازدحام و ترافیک خودرو در ادراک شهروندان داد. شرایط فوق براساس ارزش زمین باعث ایجاد مناطق مختلف در حلقه‌های بعدی توسعه شهر شده است که بهای زمین تابعی از سطح دسترسی و امکانات و... است و همین عامل قطب‌های اجتماعی مختلفی در شهر به وجود آورده است؛ بنابراین در چند دهه گذشته گسترش و بی‌نظمی فضایی، ناکارآمدی خدمات و زیرساخت‌ها در بستر نهادی بیش از هر زمان دیگر منجر به تحولات ساختاری در هویت و فضای کالبدی، اجتماعی و اقتصادی و... شهر گردید. در دهه‌ی ۹۰ با هشدار کارشناسان، سیاست کنترل پراکنده روئی در دستور کار قرار گرفت و با وجود موفقیت‌های نسبی در مهار آن و کنترل حریم شهر، شکل افراطی پراکنده رویی به صورت جوامع بسته در مناطق روستایی شمال شهر ظاهر شد و برخی از نخبگان اجتماعی را از فضای شهر تفکیک کرد و علاوه بر کاهش انسجام اجتماعی صدمات غیرقابل جبران بر ساختار اجتماعی و هویت شهر زد.

مطمئناً تغییر و تحولات شهری در عصر فناوری امری اجتناب‌ناپذیر است اما لازم است برای حفظ اصالت و هویت شهر توسعه شهری هوشمندانه و مطابق اصول شهر پایدار ایرانی - اسلامی صورت گیرد. هم‌چنین ضروری است الگوی طراحی شهر پایدار، برنامه‌ریزی و اجرا براساس اصول: شکل شهری فشرده برای افزایش تعاملات و مصرف حداقل زمین، حفظ فضای باز و اکوسیستم‌های شکننده و چشم‌اندازها، کاهش استفاده از خودرو، کاهش آلودگی و ضایعات محیطی، ایجاد محیط‌های زیست‌پذیر و جامعه‌گرا، مسکن مناسب و معقول و عادلانه، سکونت‌گاه‌های اقتصادی، بهبود عدالت و فرصت‌های اجتماعی برای کم‌امتیازترین افراد، توسعه اقتصاد محلی قابل‌ترمیم، افزایش آسایش و دسترسی با ترکیب و تنوع کاربری‌ها، تفکیک قلمرو عمومی و خصوصی، حفظ و ارتقای هویت محیط، تنوع انتخاب مسکن، تولید و امنیت و سلامت، خلاقیت، همکاری و مشارکت جامعه صورت گیرد تا ضمن بازتولید فرهنگ و فضای اجتماعی شهر هویت خود را حفظ کند.

مدل مفهومی هویت شهر که از یافته‌های تحقیق استنباط می‌شود مطابق شکل زیر است:



شکل شماره ۴: مدل مفهومی هویت شهری (مآخذ: یافته‌های نگارندگان)

منابع

- دانش‌پایه، نثار؛ حبیب، فرح؛ طغیانی، شیرین (۱۳۹۶)؛ «تبیین فرآیند شکل‌گیری حس مکان در توسعه جدید شهر»، *مطالعات ملی*، ۴، ۷۲، ۱۵۵-۱۳۷.
- کارشناسان شهرداری ساری (۱۳۹۷)؛ گزارشات توسعه شهر ساری، ساری، ۲۰-۱.
- مهندسین مشاور مازند طرح (۱۳۸۹)؛ خلاصه گزارش طرح جامع شهر ساری، ساری، ۱۷۴-۱.
- نوفل، سیدعلیرضا؛ کلبادی، پازین؛ پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸)؛ «بررسی و ارزیابی شاخص‌های مؤثر در هویت شهری»، *آرمانشهر*، ۳، ۶۹-۵۷.
- Arbury, J. (2010) "From Urban Sprawl to Compact City – An analysis of urban growth management in Auckland", Auckland, 1-175
- Beyhan, G, Ş. Ütügür, M, S. (2005); "Çağdaş Gereksinmeler Bağlamında Sürdürülebilir Turizm Ve Kimlik Modeli", *İtüjournal*, Mimarlık, Planlama, Tasarım, 4, 2, 79-87.
- Burchell, R. and Mukherji, S. (2003); "Conventional development versus managed growth: the costs of sprawl", *American Journal of Public Health*, 93, 9, 1534-1540.
- Calthorpe, P. (1993); "The next American metropolis: ecology, community and the American dream", *Princeton Architectural Press*, New York.
- Carruthers, J. and Ulfarsson, G. (2002); "Fragmentation and sprawl: evidence from interregional analysis' Growth and Change", 33, 3, 312-340.
- Çöl,Ş. (1998); Kent Kimliğini Oluşturan Faktörler ve Günümüz Kentlerini Kimlikli Kılmak İçin Bir Sistem Önerisi, Mimar Sinan University, Institute of Applied.
- Duany, A. and Plater-Zyberk, E. (1991); "Towns and Town-Making Principles", *Rizzoli International*, New York.
- İlgar, E. (2008); Kent Kimliği Ve Kentsel Değişimin Kent Kimliği Boyutu; Eskişehir Örneği, Anadolu University, Institute of Applied Sciences, Eskişehir.
- Le Goix, R. (2005); "Gated communities: sprawl and social segregation in southern California", *Housing Studies*, 20, 2, 323-343.
- Lynch, K. (1960); "The Image Of The City", *Mit Press*, Massachusetts.
- Meurs, H. and Haaijer, R. (2001); "Spatial structure and mobility", *Transportation Research*, D, 6, 429-446.
- Neill, W. J. V. (1997); "Memory, Collective Identity and Urban Design: The Future of Berlin's Palast Der Republic", *Journal Of Urban Design*, 2, 2, 179-192.
- Newman, P. (1992); "The Compact City: an Australian perspective' Built Environment", 18, 4, 285-300.
- Newman, P. and Kenworthy, J. (1989); *Cities and automobile dependence: a sourcebook*, Aldershot, Hants., England.
- Relph, E. (1987); *The Modern Urban Landscape*, Croom Helm, London.
- Southworth, F. (2001); "On the potential impacts of land use change policies on automobile vehicle miles of travel", *Energy Policy*, 29: 1271-1283.
- Ulu, A. & Karakoç, İ. (2004); "Kentsel Değişimin Kent Kimliğine Etkisi", *TMMOB Şehir Plancıları Odası Publish*, 29, 59-66.
- Yıldız, A. Aydın D. Büyükhahin (2014); "Loss Of City Identities In The Process Of Change: The City Of Konya-Turkey", *Social and Behavioral Sciences*, 140, 221-233.